

شناسایی عوامل مؤثر بر بازگشت کارآفرینانه متخصصان و فارغ التحصیلان ایرانی خارج از کشور

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

زهرة ربیعی*

علی ملکی**

بهرام صلواتی***

چکیده

در گذشته نگاه یک طرفه‌ای مبتنی بر راهبرد بازدارندگی در قبال مهاجرت متخصصان وجود داشت، اما امروزه بازگشت متخصصان به میهن خود در قالب مجاری متنوعی از جمله بازگشت کارآفرینانه در دستور کار دولت قرار دارد. این پژوهش با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر بازگشت کارآفرینانه متخصصان ایرانی خارج از کشور، به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را مجموعه ۲۱۷ نفر از متخصصان و فارغ التحصیلانی که از طریق طرح همکاری با متخصصان و دانشمندان ایرانی غیرمقیم به کشور بازگشته و کسب و کار خود را راه اندازی کرده‌اند، تشکیل می‌دهند. نتایج حاصل از توزیع پرسشنامه حاکی از آن است که نُه عامل بر بازگشت کارآفرینانه متخصصان و فارغ التحصیلان ایرانی اثرگذار هستند که به ترتیب اهمیت عبارتند از: دسترسی به شبکه‌های شخصی و خانوادگی، احساس وظیفه نسبت به کشور مادری، هزینه‌های پایین‌تر راه اندازی کسب و کار، فرصت‌های کارآفرینی، وضعیت اکوسیستم کارآفرینی، دسترسی به شبکه‌های علمی و دولتی، وضعیت کلی کشور، برنامه‌ها و سیاست‌های تشویقی دولت و چالش‌های مهاجران در کشور میزبان.

واژگان کلیدی

مهاجرت معکوس، مهاجرت بازگشتی، بازگشت کارآفرینانه، مهاجرت نخبگان، چرخش نخبگان.

* دانشجوی کارشناسی ارشد سیاست‌گذاری علم و فناوری، دانشگاه صنعتی شریف Rabiee.zohreh@gsmc.sharif.ir

** رئیس پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف (نویسنده مسئول) a.maleki@sharif.edu

*** مدیر واحد مطالعات مهاجرت پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف/ رصدخانه مهاجرت ایران b.salavati.s@gmail.com

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال بیست و پنجم • شماره چهارم • زمستان ۱۴۰۱ • شماره مسلسل ۹۸

مقدمه

نیروی انسانی کارآمد و متخصص، یکی از شاخص‌های اساسی توسعه و بزرگ‌ترین مزیت رقابتی کشورها محسوب می‌شود. یک جامعه هر قدر از نیروی انسانی متخصص و اندیشمند برخوردار باشد، در حقیقت از توان بالاتری در ارائه خلاقیت و ابتکار نیز برخوردار است (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲). با وجود این، بسیاری از کشورها ظرفیت و توانایی پرورش و یا به‌کارگیری افراد متخصص و تحصیل‌کرده را ندارند. برای مثال، اگرچه ایران از توانایی بالایی برای رشد و پرورش نیروی انسانی ماهر و تحصیل‌کرده برخوردار است اما بسترهای مناسب برای بهره‌برداری از مهارت این نیروها وجود ندارد. نتیجه این عدم هماهنگی، چیزی جز فراهم‌شدن زمینه‌های دل‌سردی و ناامیدی نسبت به اثرگذاری و حل مشکلات داخلی نیست که نهایتاً می‌تواند منجر به افزایش میل به مهاجرت در میان این قشر شده و آنها را روانه کشورهای کند که قدردان این استعدادها هستند.

مهاجرت افراد ماهر و تحصیل‌کرده، می‌تواند در قالب مهاجرت کاری و اقتصادی متخصصان یا مهاجرت تحصیلی دانشجویان صورت بگیرد. جمعیت مهاجران ایرانی در دنیا بر اساس آخرین آمار موجود قابل استناد در سال ۲۰۲۰ میلادی، ۱/۸ میلیون نفر است (صلواتی، ۱۴۰۰). بر اساس آخرین آمار سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در سال ۱۶-۲۰۱۵، کشورهای این منطقه پذیرای بیش از یک میلیون و ۱۴۳ هزار مهاجر ایرانی بوده‌اند که از این میان، حدود ۵۱ درصد دارای تحصیلات عالی بوده (UNESCO: 2011, OECD: 2016) و حدود ۵۳/۵ درصد نیز مشغول در کارهای حرفه‌ای (مدیران، متخصصان، تکنسین‌ها و دستیاران متخصص) بوده‌اند (ILO: 2010, OECD: 2016). ضمن اینکه بر اساس آخرین آمار موجود در یونسکو در سال ۲۰۱۸، ایران نوزدهمین کشور دانشجویفرست در جهان است و در همان سال، بالغ بر ۵۶ هزار دانشجو برای ادامه تحصیل از ایران به کشور دیگری رفته‌اند (صلواتی، ۱۴۰۰). بنابراین سیل جوانان جویای کار و تحصیلات که سالانه کشور را بعضاً برای همیشه ترک می‌کنند، فرار

مغزها را ظرف چند دهه گذشته به یکی از دغدغه‌های حاکمیتی تبدیل کرده است (صناعی، ۱۳۹۸).

در گذشته نگاه یک‌طرفه‌ای نسبت به مهاجرت متخصصان و دانشجویان وجود داشت و اغلب دولت‌ها در تلاش بودند با برخوردهای مبتنی بر راهبرد بازدارندگی نسبت به این پدیده واکنش نشان دهند اما نحوه برخورد با این پدیده در دهه‌های اخیر تغییر کرده است و چاره‌جویی و حل‌وفصل آن مورد توجه قرار گرفته است (طایفی، ۱۳۸۵). چرا که تجارب و دانش فارغ‌التحصیلان و متخصصان خارج از کشور می‌تواند نقش مؤثری در رشد و توسعه توانمندی‌های علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان کشور داشته باشد و به توسعه پایدار در حوزه‌های بین‌المللی بیانجامد. با وجود این، استفاده از این ظرفیت، مستلزم به‌کارگیری رویکرد چرخش نخبگان است که مفهومش در دهه اخیر شکل گرفته است و با بهره‌گیری از آن می‌توان به مزایا و اثرات مطلوب ناشی از مهاجرت بر توسعه کشورهای مهاجرفرست امیدوار بود (Naudé et al., 2017).

یکی از ارکان چرخش نخبگان، بازگرداندن دائمی یا موقتی متخصصان و فارغ‌التحصیلان خارج از وطن است چرا که تخصص و تجربه جدید این افراد، ظرفیت و علاقه‌مندی به نوآوری و اثربخشی در کشور خود و همچنین ظرفیت شبکه‌سازی بین‌المللی آنها می‌تواند منشأ منافع بسیاری برای کشور مهاجرفرست باشد (Ellerman, 2003). اخیراً پتانسیل مهاجران بازگشتی برای تأسیس شرکت در کشورهای خود نیز مورد توجه قرار گرفته است (Naudé et al., 2017) چراکه مهاجرت می‌تواند باعث شکل‌گیری مهارت‌ها، توانایی‌ها و روحیه کارآفرینی در افراد شود و مشروط بر اینکه شناخت کافی از این مهارت‌ها و روحیات به دست آید، کسانی که تجربه مهاجرت داشته‌اند، قادر خواهند بود تا به توسعه جوامع مبدأ از طریق کارآفرینی کمک کنند (UNCTAD, 2018).

به‌رغم اینکه می‌دانیم یکی از بهترین اقدامات در راستای بهره‌گیری از ذخایر علمی دانشمندان و متخصصان ایرانی خارج از کشور، افزایش مهاجرت‌های بازگشتی است، اما باید در نظر داشته باشیم که کشور ظرفیت کافی برای استخدام نیروی کار ماهر و متخصص خارج از کشور را

ندارد. این در حالی است که بر اساس تحلیل مک‌براید^۱ در سال ۲۰۱۶، کشور ایران به دلایل متعددی می‌تواند به یک نیروگاه کارآفرینی تبدیل شود (Rezaei, Dana & Ramadani, 2017). بازگشت کارآفرینانه و به عبارت دیگر، بازگشت و کارآفرینی متخصصان و فارغ‌التحصیلان ایرانی خارج از کشور، نه تنها می‌تواند موجب بهره‌مندی ایران از اثرات مثبت کارآفرینی آنان شده، بلکه عدم نیاز به زیرساخت‌های لازم برای استخدام این جمعیت کثیر، ادغام اجتماعی و اقتصادی این افراد در ایران را تسهیل خواهد کرد.

در حال حاضر تنها اقدامی که در زمینه بازگرداندن متخصصان و فارغ‌التحصیلان صورت گرفته است، طرح همکاری با متخصصان و دانشمندان ایرانی غیرمقیم به منظور انتقال دانش، تجربه و ایده‌های فناورانه به کشور و همچنین ایجاد ارتباط مؤثر دانشمندان و متخصصان ایرانی غیرمقیم با هم‌تایان داخلی و مراکز علمی و فناوری منتخب است که توسط معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و بنیاد ملی نخبگان طراحی شده و از اسفند سال ۱۳۹۴ به صورت رسمی آغاز شده است. بر اساس آخرین آمار موجود در سال ۱۴۰۰، اجرای این طرح منجر به بازگشت یک‌هزار و ۹۸۹ نفر از فارغ‌التحصیلان ایرانی و حفظ ارتباط با ۸۶۴ نفر از متخصصان ایرانی خارج از کشور از طریق برگزاری سخنرانی و کارگاه‌های تخصصی شده است. همچنین لازم به ذکر است که از این جمعیت بازگشتی، تنها ۲۱۷ نفر از تسهیلات تأسیس شرکت نوپا استفاده کرده‌اند (معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، ۱۴۰۰؛ مؤسسه بین‌المللی توسعه دانش فردای ایرانیان، ۱۴۰۰).

در این پژوهش تلاش می‌شود به سؤال زیر پاسخ داده شود:

- مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بازگشت کارآفرینانه متخصصان و فارغ‌التحصیلان ایرانی که تجربه کار یا تحصیل در خارج از کشور را داشته‌اند، چیست؟
- با توجه به آنکه تاکنون پژوهشی درباره عوامل مؤثر بر بازگشت کارآفرینانه متخصصان و فارغ‌التحصیلان ایرانی انجام نشده است، شناسایی این عوامل، می‌تواند باعث شود سیاست‌گذاری در این حوزه بدون توجه به واقعیات میدانی و بر اساس برساخته‌های ذهنی نبوده و تهدید

مهاجرت نخبگان از ایران از طریق کارآفرینی مهاجران بازگشتی منجر به فرصتی برای رشد اقتصادی، نوآوری و رقابت پذیری کشور شود.

الف) پیشینه پژوهش

طبق تعریف سازمان ملل متحد از مهاجرت بازگشتی، چنانچه اتباع یا شهروندان یک کشور، پس از یک دوره مهاجرت بین‌المللی به کشوری دیگر (بلندمدت یا کوتاه‌مدت)، مجدداً به کشور مبدأ خود بازگردند و قصد داشته باشند که حداقل یک‌سال در کشور مبدأ خود اقامت داشته باشند، در زمره مهاجران بازگشتی قرار می‌گیرند (United Nations, 2019).

مطالعات متعددی که در خصوص مهاجرت معکوس انجام شده‌اند، در برگیرنده حوزه‌های مختلفی هستند. بخشی از این مطالعات به بررسی ویژگی‌های مهاجران بازگشتی پرداخته‌اند. برخی تئوری‌ها پیش‌بینی می‌کنند که مهاجران بازگشتی اغلب از میان افراد ناموفق‌تر یا بالعکس، از میان استعداد‌های برتر هستند. با وجود این، اکثر شواهد به خصوص در اقتصادهای نوظهور مانند چین، هند و ویتنام حاکی از آن هستند که مهاجران بازگشتی از میان استعداد‌های برتر بوده‌اند، به‌ویژه آنکه این کشورها حقوق و ارزش زیادی برای تجربیات بین‌المللی این افراد قائل هستند. همچنین برخی از مطالعات نشان‌دهنده این است که میل به بازگشت در میان مهاجران ماهر و تحصیل‌کرده بیشتر از مهاجران غیرماهر بوده و به تبع نرخ بازگشت در میان مهاجران تحصیل‌کرده، بسیار بیشتر از مهاجران بدون تحصیلات است. شواهد اخیر برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته، کشورهای با درآمد متوسط و اقتصادهای در حال ظهور گواه آن هستند که جمعیت مهاجران بازگشتی، اغلب از میان مهاجران ماهر و تحصیل‌کرده و معمولاً از موفق‌ترین‌ها هستند (Mayr & Peri, 2008).

بخش دیگری از مطالعات نیز بر دلایل بازگشت پرداخته‌اند. واژه مهاجرت بازگشتی در طول سال‌ها از منظر آکادمیک و سیاست‌گذاری تکامل یافته است. کاسارینو^۱ (۲۰۰۴)، پنج نظریه کلیدی که بر درک تئوری مهاجرت بازگشتی در طول زمان تأثیر گذاشته‌اند را برجسته می‌کند

(Debnath, 2016). علل مهاجرت بازگشتی از دید این نظریه‌های غالب (اقتصاد نئوکلاسیک^۱، اقتصاد جدید مهاجرت نیروی کار^۲ (NELM)، ساختارگرایی^۳، فراملی‌گرایی^۴ و شبکه‌های اجتماعی و اقتصادی فرامرزی^۵) به شکل زیر هستند.



شکل ۱: تلخیص علل مهاجرت بازگشتی از دید نظریه‌های غالب مهاجرت

1. Neoclassical Economics
2. New Economics of Labour Migration
3. Structuralism
4. Transnationalism
5. Cross-Border Social and Economic Networks

کاسارینو^۱ در سال ۲۰۰۴ با مرور ادبیات وسیع این حوزه دلایل بازگشت را در میان نظریه‌های موجود برمی‌شمرد. از دیدگاه نظریه اقتصاد نئوکلاسیک، اغلب مهاجرت‌ها ادامه‌دار هستند و تنها کسانی که شکست‌خورده باشند، باز می‌گردند. از دید نظریه‌های اقتصادی، بازگشت جزئی طبیعی از فرایند مهاجرت است که به دلیل وابستگی به کشور مبدأ رخ می‌دهد و احتمالاً زمانی باشد که فرد مهاجر به اهداف خود از مهاجرت دست یافته باشد. از دید نظریه‌پردازان ساختارگرا، بازگشت در چارچوب دوگانه مرکز- حاشیه انجام می‌شود که و به دلایل شخصی و عاطفی انجام می‌شود. نظریه‌پردازان فراملی‌گرا نیز معتقد هستند که بازگشت لزوماً دائمی نیست و بر بستری از اوضاع تاریخی و اجتماعی انجام می‌شود؛ ضمن اینکه روابط خانوادگی نقش اساسی در آن دارند. از منظر نظریه شبکه‌های اجتماعی نیز، بازگشت جزئی از فرایند مهاجرت است که به دلایل اقتصادی، اجتماعی و سازمانی رخ می‌دهد و عمل رفت و برگشت، هر دو به دلیل وجود شبکه‌های اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی رخ می‌دهند (صناعی، ۱۳۹۸).

به‌رغم مطالعاتی که اخیراً در خصوص بازگشت مهاجران ماهر صورت گرفته است، پژوهش‌هایی که بر کارآفرینی مهاجران بازگشتی متمرکز بوده‌اند، به اندازه‌ای که سزاوار بوده، مورد توجه قرار نگرفته است. با این همه نظر به تأثیر قابل ملاحظه‌ای که نخبگان در قابلیت خلق نوآوری دارند، پتانسیل مهاجران بازگشتی برای تأسیس شرکت در کشورهای خود، اخیراً مورد توجه قرار گرفته است (Naudé et al., 2017). این مسئله نشان می‌دهد که مهاجران بازگشتی تمایل زیادی به کارآفرینی پس از بازگشت دارند (Marchetta, 2012). شواهدی مبنی بر این وجود دارد که افراد بسیار ماهر و موفق احتمالاً به کشور خود بازمی‌گردند تا کسب‌وکارهایی راه‌اندازی کنند که از بازده آن بتوانند سود زیادی به دست آورند (Mayr & Peri, 2008).

برخی از مطالعات، نشان‌دهنده تفاوت در فعالیت‌های کارآفرینانه میان مهاجران بازگشتی و دیگران هستند. به عنوان مثال، نتایج پژوهش‌های سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۱۰ نشان می‌دهند که احتمال راه‌اندازی یک تجارت برای مهاجران بازگشتی نسبت به غیرمهاجران در کشورهای پاکستان و آلبانی به طور معناداری بیشتر است. همچنین نتایج پژوهشی در سال ۲۰۰۹ با استفاده

از داده‌های غنا و ساحل عاج مشخص کرد که مهاجران بازگشتی اگر پس‌انداز داشته باشند و مدت زمان طولانی‌تری در خارج از کشورشان باقی مانده باشند، احتمال بیشتری دارد تا به راه‌اندازی یک استارت‌آپ جدید بپردازند. نتایج مشابهی برای بوسنی و هرزگوین، بلغارستان، گرجستان، جمهوری قرقیزستان، رومانی، تاجیکستان و مصر به دست آمده است. در مجموع نتایج حاکی از این بودند که مهاجران بازگشتی کاملاً مستعد به‌کارگیری پس‌انداز خارج از کشورشان برای سرمایه‌گذاری در راه‌اندازی یک تجارت در کشور مبدأ خود هستند و مهاجرت موقت، گاهی به عنوان یک استراتژی برای غلبه بر محدودیت‌های اعتباری در کشور مبدأ به کار گرفته می‌شود (Naudé et al., 2017).

بر اساس مطالعاتی که قبلاً انجام شده است، برخی عوامل بر بازگشت کارآفرینانه مهاجران اثرگذار هستند. برای مثال، بر اساس نتایج پیمایشی در مراکش، خصوصیات و شرایط فردی قبل از مهاجرت تأثیر معناداری بر فعالیت‌های کارآفرینانه پس از بازگشت دارد. علاوه بر این، تجربه مهاجرت به خارج از کشور فراتر از انباشت سرمایه در خارج از کشور و مدت زمان مهاجرت بر فعالیت‌های کارآفرینانه پس از بازگشت تأثیر می‌گذارد (Hamdouch & Wahba, 2015). بر اساس نتایج پیمایش پیراچا^۱ و وادیان^۲ در سال ۲۰۰۹، کارآفرینی ارتباط مثبت و معناداری با سطح تحصیلات، مهارت زبان‌های خارجی و سرمایه انباشته‌شده در خارج از کشور دارد. علاوه بر این، احتمال کارآفرینی به طور مثبت و معناداری در میان مهاجران بازگشتی بیشتر از افراد بومی است (Piracha & Vadean, 2010). همچنین مطالعه قوم‌نگاری بازرگانان بازگشتی از سنگال گویای آن است که انگیزه افراد برای بازگشت و سرمایه‌گذاری در کشور مبدأ بستگی به پایداری روابط دو طرفه میان کشورهای مبدأ و مقصد دارد و بازرگانان بازگشتی از طریق تقویت پیوندهای فراملی، نوآوری و ایده‌های مبتکرانه عرضه داشته و از طریق رشد اقتصادی به توسعه کشور مبدأ کمک می‌کنند (Sinatti, 2019). همچنین در مطالعه دیگری بر روی ۳۰۰ مهاجر بازگشتی به دو کشور آفریقایی غنا و ساحل عاج، عوامل مؤثر بر بازگشت کارآفرینانه این افراد بررسی شده است. نتایج حاکی از آن است که تجربه کار در خارج از کشور، مهم‌ترین عامل

1. Piracha
2. Vadean

اثرگذار بر فعالیت‌های کارآفرینی پس از بازگشت است، اگرچه سرمایه انباشته در خارج کشور، دلایل بازگشت و دفعات مراجعه به کشور مبدأ حین زندگی در خارج از کشور نیز تأثیر قابل توجهی بر بازگشت کارآفرینانه دارند (Black & Castaldo, 2009). بر اساس نتایج پیمایش کراسنیقی^۱ و ویلیامز^۲ در سال ۲۰۱۸، انگیزه‌های بازگشت کارآفرینانه به اقتصادهای نوظهور که پتانسیل جذب مهاجران بازگشتی را دارند، تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله میزان ریسک و اعتماد درک‌شده از مؤسسات کشورهای مبدأ قرار دارد. همچنین تجربه کار در خارج از کشور ارتباط منفی با بازگشت دارد در حالی که ارتباط مثبتی با میل به بازگشت کارآفرینانه وجود دارد. همچنین تجربه کار حرفه‌ای ارتباط مثبتی با بازگشت دارد، در حالی که ارتباط منفی با میل به بازگشت کارآفرینانه دارد. نتایج حاکی از آن است که با سرمایه‌گذاری در محیط سازمانی می‌توان افراد را ترغیب به بازگشت کارآفرینانه کرد (Krasniqi & Williams, 2019).

از یک دیدگاه مهاجرانی که هنگام دورشدن از کشور یا منطقه خود به یادگیری، پس‌اندازکردن و ساخت شبکه‌های خارجی می‌پردازند، محدودیت‌های خود برای راه‌اندازی یک تجارت جدید پس از بازگشتشان را کاهش می‌دهند. حال آنکه از دیدگاهی دیگر، مهاجران در حالی که در خارج از کشور هستند، ممکن است ارتباط خود با شبکه‌های داخلی را از دست داده و با کاهش سرمایه اجتماعی خود، ایجاد یک شرکت جدید در بازگشت را دشوار کنند. بر اساس مطالعات تجربی، تا زمانی که محدودیت‌های اعتباری و فقدان مهارت و تجربه، موانع اصلی بر سر کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه هستند و سرمایه اجتماعی آنقدر مهم نیست، می‌توان انتظار داشت که مهاجران بازگشتی بیشتر از غیرمهاجران قادر به ایجاد استارت‌آپ‌های جدید باشند (Naudé et al., 2017).

مهم‌ترین تجارب جهانی در خصوص بازگشت معکوس و به خدمت‌گرفتن نخبگان در چرخه جامعه مربوط به تجارب چین و هندوستان است. این دو کشور طی چند دهه گذشته در صدر کشورهای فرستنده مهاجران بین‌المللی قرار داشته‌اند، اما در سال‌های اخیر بازگشت معکوس نخبگان به کشورهای مذکور به یکی از روندهای مهم و مورد توجه کشورهای مقصد

1. Krasniqi
2. Williams

و مبدأ مهاجران چینی و هندی تبدیل شده است. کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند آمریکا و کانادا که با موج خروج نخبگان چینی و هندی و بازگشت آنها به کشور مبدأ روبرو هستند، دل‌نگران از دست‌دادن نیروی کار و مغزافزارهایی هستند که در تولید ناخالص داخلی این کشورها تأثیر بسزایی داشته‌اند (حسینی مقدم و بشیری، ۱۳۹۸).

بر اساس یک نظرسنجی برخط در فاصله سپتامبر ۲۰۱۰ تا مارس ۲۰۱۱ که با مشارکت ۱۵۳ کارآفرین هندوستانی و ۱۱۱ کارآفرین چینی که در کشور آمریکا کار کرده یا پس از دانش‌آموختگی در آمریکا به کشورهای خود بازگشته بودند، انجام شد، آداب و رسوم، فرصت‌های اقتصادی، دسترسی به بازارهای محلی و روابط خانوادگی، مهمترین دلایل بازگشت نخبگان بوده‌اند (Wadhwa et al., 2011).

بنابراین، در بازگشت متخصصان و نخبگان به چرخه خدمت طیفی از عوامل ملموس تا ناملموس اثرگذار است؛ به عبارت روشن‌تر، کسب درآمد، ارزش افزوده اقتصادی و بهره‌برداری از فرصت‌های کسب‌وکار در زمره عوامل ملموس و حس میهن‌پرستی و کمک به توسعه کشور جزو عوامل ناملموس محسوب می‌شوند. نکته مهم، تلاش دولتمردان هندوستانی و چینی برای تحقق زمینه‌های عینی و آشکار و ذهنی و پنهان مورد نیاز به منظور ترغیب بازگشت نخبگان به چرخه خدمت این کشورهاست. بازگشت افراد غیرمقیم به چرخه خدمت به جامعه در کشورهای هندوستان و چین ناظر بر ایجاد شرایطی در این کشورهاست که حتی در مقایسه با شرایط کشورهایی مانند آمریکا از مزیت بیشتری برخوردار هستند. کارآفرینان بازگشتی هر دو کشور عواملی مانند هزینه‌های پایین‌تر، حقوق پایین‌تر و دسترسی به بازار داخلی را به عنوان مهم‌ترین مزایای کسب‌وکار در خانه در مقایسه با کشور آمریکا اعلام کرده‌اند. نیروی کار ارزان و آداب و رسوم هر دو کشور نیز از مزایای پیشروی نخبگان برای بازگشت بوده است. البته، متخصصان و رسانه‌ها اغلب نقش سیاست‌های دولتی را در جذب یا دفع نخبگان دخیل می‌دانند. نقش و اهمیت حمایت دولت‌ها برای بازگشت نخبگان پررنگ است و نتایج نظرسنجی انجام‌شده این مهم را تأیید می‌کند. به‌رغم نقش دولت در زمینه‌سازی بازگشت نخبگان به چرخه خدمت نباید از نقش مهم شبکه‌های کسب‌وکار، شخصی، خانوادگی و دانش‌آموختگان در داخل و خارج از کشور غافل شد. برای کارآفرینان هندوستانی و چینی حمایت دولتی در مرتبه پایین‌تری نسبت

به شبکه‌های مذکور قرار دارد. مطابق این بررسی، بازگشت کارآفرینان و متخصصان به کشور خود نه به دلیل سیاست‌های دولتی، بلکه به دلیل اهمیت اصلاحات اخیر اقتصادی و سیاسی در کشورهای هندوستان و چین بوده است (Wadhwa et al., 2011).

در یکی از امیدوارکننده‌ترین مطالعات جامع انجام‌شده توسط ساکسنیان^۱ در سال ۲۰۰۷، بررسی موفقیت چشمگیر صنایع الکترونیکی و کامپیوتری در دره سیلیکون و مشابه‌سازی‌های موفق آن در بعضی کشورها (یکی از بارزترین مثال‌ها تایوان است)، نشان می‌دهد که اولاً همه این موارد موفقیت، پای در مهاجرت معکوس متخصصانی دارد که هم تجربه کار در شرکت‌های الکترونیکی در دره سیلیکون را داشته‌اند و هم توانسته‌اند از شبکه‌های حرفه‌ای و تجاری‌ای که به آن متصل بوده‌اند بهره ببرند. ثانیاً این مهاجرت معکوس و مشابه‌سازی‌ها نه تنها از قدرت و اهمیت دره سیلیکون نکاسته بلکه برعکس باعث نوعی هم‌افزایی جهانی شده است (صناعی، ۱۳۹۸).

لازم به ذکر است که نوآوری، شرط حضور موفق در بازارهای جهانی است و از طریق تعامل‌های سازنده رشد می‌کند، اما دستیابی به آن، منوط به پیاده‌سازی و اجرای سیاست‌های مؤثر در این راستا است. با توجه به پتانسیل مهاجران بازگشتی در ورود به فضای کارآفرینی، استفاده از این ظرفیت می‌تواند سطح نوآوری و کارآفرینی در کشور مبدأ را افزایش داده و به توسعه و رشد اقتصادی کشور مهاجرفرست منجر شود. واضح است که برای جلوگیری از سیاست‌گذاری بر اساس برساخته‌های ذهنی، باید به طور تجربی به شناسایی عوامل مؤثر بر بازگشت کارآفرینانه متخصصان و فارغ‌التحصیلان بپردازیم. این در حالی است که تا کنون هیچ پژوهشی در خصوص عوامل مؤثر بر بازگشت کارآفرینانه متخصصان و فارغ‌التحصیلان ایرانی بازگشته به کشور انجام نشده است. بدین ترتیب تمرکز این مطالعه بر شناسایی عوامل مؤثر بر بازگشت کارآفرینانه متخصصان و فارغ‌التحصیلان ایرانی بازگشته به کشور است تا راهنمای سیاست‌گذار و تصمیم‌گیرنده برای کمک به بهره‌مندی از طریق بازگشت کارآفرینانه باشد.

ب) روش پژوهش

جامعه هدف این تحقیق، متخصصان و فارغ‌التحصیلان ایرانی هستند که پس از یک دوره تحصیل یا کار در خارج از کشور به ایران بازگشته و وارد فضای کارآفرینی شده‌اند. بر اساس آخرین آمار در سال ۱۴۰۰، یک‌هزار و ۹۸۹ نفر از متخصصان ایرانی از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ به ایران بازگشته و از تسهیلات طرح همکاری با متخصصان و دانشمندان ایرانی غیرمقیم بهره‌مند شده‌اند که از این تعداد، ۲۱۷ نفر به ثبت شرکت پرداخته‌اند که جامعه مورد نظر تحقیق ما را در بر می‌گیرند. روش پژوهش حاضر از نوع کمی است و ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری داده استفاده شده است. در این پژوهش از پرسشنامه مشابهی که توسط واوا^۱ و همکاران در خصوص کارآفرینان بازگشتی از ایالات متحده آمریکا به چین و هند در سال ۲۰۱۰ مورد استفاده قرار گرفت، استفاده شده است و برای تحلیل پرسشنامه‌ها نیز از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. پرسشنامه‌ها بدون نمونه‌گیری و به صورت سرشماری برای کل جامعه هدف پژوهش ارسال شده است. به این ترتیب تعداد ۲۰۶ پرسشنامه تکمیل شده دریافت شده است.

۱. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش درباره اثر ۳۰ متغیر بر مهاجرت بازگشتی و ورود به فضای کارآفرینی سؤالاتی پرسیده شده است و برای تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی مراحل زیر انجام شده است:

ابتدا ماتریس داده‌ها تشکیل شده، سپس ماتریس همبستگی تمام متغیرها محاسبه شده است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های اولیه پرسشنامه حاکی از آن است که مقادیر قابل ملاحظه‌ای از همبستگی‌ها بیشتر از ۰/۳ می‌باشد، از این رو این ماتریس برای عامل‌یابی مناسب است. ضمناً برای اطمینان یافتن از کفایت نمونه‌گیری و واحد نبودن ماتریس همبستگی نیز از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده شده است.

نتیجه اجرای آزمون بارتلت و شاخص KMO در نرم‌افزار SPSS به قرار زیر است:

جدول ۱: بررسی کفایت مدل و آزمون KMO

متغیر	معناداری آزمون	تعداد	نام شاخص
KMO	بارتلت	متغیرها	
۰/۶۷۲	۰/۰۰۰	۳۰	عوامل بازگشت کارآفرینانه متخصصان و فارغ‌التحصیلان ایرانی

همانطور که مشخص است چون شاخص KMO بین ۰/۵ و ۰/۶۹ است، پس کیفیت مدل با احتیاط تأیید می‌شود و با توجه به اینکه روش این پژوهش به صورت شبه‌اکتشافی است، لذا داده‌های مربوط به عوامل موثر بر بازگشت کارآفرینانه متخصصان و فارغ‌التحصیلان ایرانی برای تحلیل عاملی مناسب هستند. همچنین معنی‌داری آزمون بارتلت (کمتر از ۰/۰۵ بودن Sig) نشان می‌دهد که فرض همانی بودن ماتریس همبستگی رد شده و تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار (مدل عاملی) مناسب است.

سپس تعداد عامل‌های مورد نیاز برای تبیین و توضیح مناسب داده‌ها با استفاده از روش مولفه‌های اصلی^۱ تعیین شده است. برای تعیین تعداد عامل‌هایی که باید استخراج شوند، دو معیار ساده وجود دارد. اولین معیار، مقادیر ویژه و دومین معیار، آزمون سنگریزه^۲ است. با توجه به نتایج حاصل از مقادیر ویژه برای عامل‌های موثر بر بازگشت کارآفرینانه متخصصان و فارغ‌التحصیلان ایرانی انتظار داریم که عامل استخراج شود، چون تنها که عامل دارای مقادیر ویژه بزرگتر از یک و نزدیک به یک هستند. اگر که عامل استخراج شود، حدود ۷۰ درصد از واریانس بیان خواهد شد. نتیجه ترسیم نمودار صخره‌ای برای متغیرها نیز حاکی از آن است که عامل‌های اول تا نهم مقادیر ویژه‌ای بیشتر از ۱ و نزدیک به ۱ دارند و به همین دلیل در خروجی باقی مانده‌اند.

نهایتاً ماتریس مؤلفه‌ها ترسیم شده و برای تفسیر عامل‌هایی که در مرحله استخراج آغازین تولید شده‌اند، دوران متعامد واریماکس^۳ انجام شده است. بنابراین برای استخراج عامل‌هایی که بامعنا بوده و به احتمال زیاد زیربنای آزمون را تشکیل می‌دهد، عمل پردازش فقط برای استخراج

1. Principal Component (PC)

2. Scree

3. Varimax

نُه عامل ادامه داده شده و برای تعیین اینکه هر متغیر بر روی کدام عنصر نشسته است، فقط شاخص‌هایی انتخاب شده‌اند که حداقل بار عاملی آن بر روی آن عنصر ۰/۵ باشد و بار عاملی بالایی بر روی عامل‌های دیگر نداشته باشد. از ۳۰ شاخصی که در مرحله اول شناسایی شدند، در تحلیل عاملی تنها ۲۹ شاخص بار عاملی بر روی نُه عامل داشتند که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۲: ماتریس مؤلفه‌های تحلیل عاملی بعد از دوران (چرخش یافته)

عامل‌های چرخش یافته									متغیرهای پرسشنامه
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
								۰/۷۹۲	زیرساخت‌های کشور (از جمله آب، برق، اینترنت و...)
								۰/۷۲۰	فرصت‌های راه‌اندازی یک کسب‌وکار
							۰/۵۶۲	۰/۶۳۳	سرعت رشد حرفه‌ای
								۰/۶۲۸	میزان درآمد
								۰/۶۰۴	دسترسی به شبکه‌های تجاری
								۰/۵۳۹	دسترسی به فرصت‌های اقتصادی (تأمین مالی)
							۰/۷۲۲		میزان شناخت حرفه‌ای
								۰/۷۰۴	کیفیت زندگی در ایران
								۰/۶۵۹	داشتن رقبای کمتر در بازار
								۰/۵۵۲	عدم احساس تبعیض (داشتن فرصت برابر) در کشور مادری
								۰/۵۰۸	دسترسی به نیروی کار واجد شرایط
							۰/۸۷۷		احساس اثرگذاری در ایران
								۰/۸۴۴	مشارکت در توسعه اقتصادی ایران
								۰/۶۷۷	احساس تعلق به ایران
								۰/۶۶۸	اشتغال‌زایی برای هموطنان
								۰/۷۵۴	بیش‌مهارتی (Overqualification) در کشور مقصد

				۰/۶۴۴			منقضى شدن ويزا در کشور مقصد
				۰/۶۳۰			هزينه‌های جاری زندگی در ايران
			۰/۸۱۰				طرح‌های تشويقی دولت برای بازگشت متخصصان خارج از وطن
			۰/۷۵۸				حمایت‌های دولت از راه‌اندازی کسب‌وکار در ايران
			۰/۸۱۵				هزينه‌های جاری یک کسب‌وکار در ايران
			۰/۷۸۲				هزينه منابع انسانی در ايران
		۰/۶۱۸					بودن در یک جامعه اسلامی
		۰/۵۷۴				۰/۵۳۸	وضعیت کشور برای راه‌اندازی کسب‌وکار
		۰/۵۱۰					دسترسی به بازار جهانی
	۰/۶۷۴						دسترسی به شبکه‌های فارغ‌التحصیلان
	۰/۵۷۶						ارتباطات با مقامات دولتی
۰/۸۲۴							ارتباطات خانوادگی
۰/۵۸۲							دسترسی به شبکه‌های شخصی/ خانوادگی

با توجه به نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی، روی ۲۹ متغیر اثرگذار بر بازگشت کارآفرینانه متخصصان و فارغ‌التحصیلان ایرانی، نه عامل به عنوان عامل‌های اصلی شناسایی شده‌اند. از آنجا که متغیرهای دارای همبستگی بیشتر با هریک از عامل‌ها در عامل مورد نظر قرار گرفته‌اند، بنابراین ۲۹ متغیر مربوطه به صورت زیر دسته‌بندی می‌شوند:

پروژه گاه‌نوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۳: عامل‌بندی سؤالات پرسشنامه

تعداد متغیرها	نام عامل‌ها	شرح متغیر
۶	وضعیت اکوسیستم کارآفرینی	زیرساخت‌های کشور (از جمله آب، برق، اینترنت و...)
		فرصت‌های راه‌اندازی یک کسب‌وکار
		دسترسی به فرصت‌های اقتصادی (تأمین مالی)
		دسترسی به شبکه‌های تجاری
		سرعت رشد حرفه‌ای
		میزان درآمد
۵	فرصت‌های کارآفرینی	میزان شناخت حرفه‌ای
		دسترسی به نیروی کار واجد شرایط
		داشتن رقبای کمتر در بازار
		عدم احساس تبعیض (داشتن فرصت برابر) در کشور مادری
۴	احساس وظیفه نسبت به کشور مادری	کیفیت زندگی
		احساس اثرگذاری در کشور
		مشارکت در توسعه اقتصادی کشور
۴	چالش‌های مهاجران در کشور میزبان	احساس تعلق به ایران
		اشتغال‌زایی برای هموطنان
		بیش‌مهارتی ^۱ در کشور مقصد
۲	برنامه‌ها و سیاست‌های تشویقی دولت	منقضی شدن ویزا در کشور مقصد
		مقرون به صرفه بودن هزینه‌های زندگی در کشور مادری
۲	برنامه‌ها و سیاست‌های تشویقی دولت	طرح‌های تشویقی دولت برای بازگشت متخصصان خارج از وطن
		حمایت‌های دولت از راه‌اندازی کسب‌وکار

۲	هزینه‌های پایین‌تر راه‌اندازی کسب‌وکار	هزینه‌های جاری یک کسب‌وکار در ایران
		هزینه منابع انسانی در ایران
۳	وضعیت کلی کشور	بودن در یک جامعه اسلامی
		وضعیت کشور دسترسی به بازار جهانی
۲	دسترسی به شبکه‌های علمی و دولتی	شبکه‌های فارغ‌التحصیلان
		ارتباطات با مقامات دولتی
۲	دسترسی به شبکه‌های شخصی و خانوادگی	ارتباطات خانوادگی
		شبکه‌های شخصی / خانوادگی

برخی از آمارهای توصیفی عوامل مؤثر بر بازگشت کارآفرینانه متخصصان و فارغ‌التحصیلان ایرانی مطابق زیر هستند:

جدول ۴: آمارهای توصیفی متغیرهای تحقیق

میانگین	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	عامل
۳/۹۲	۵	۱	دسترسی به شبکه‌های شخصی و خانوادگی
۳/۹۰	۵	۱	احساس وظیفه نسبت به کشور مادری
۲/۹۱	۵	۱	هزینه‌های پایین‌تر راه‌اندازی کسب‌وکار
۲/۳۳	۵	۱	فرصت‌های کارآفرینی
۲/۲۵	۵	۱	وضعیت اکوسیستم کارآفرینی
۲/۲۱	۵	۱	دسترسی به شبکه‌های علمی و دولتی
۲/۰۳	۵	۱	وضعیت کلی کشور
۲/۰۲	۵	۱	برنامه‌ها و سیاست‌های تشویقی دولت
۱/۸۸	۵	۱	چالش‌های مهاجران در کشور میزبان

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد عوامل مؤثر بر بازگشت کارآفرینانه به کشور بررسی شود. یافته‌ها حاکی از آن است که وضعیت اکوسیستم کارآفرینی، فرصت‌های کارآفرینی، احساس وظیفه نسبت به کشور مادری، چالش‌های مهاجران در کشور میزبان، برنامه‌ها و سیاست‌های تشویقی دولت، هزینه‌های پایین‌تر کسب‌وکار، وضعیت کلی کشور، دسترسی به شبکه‌های علمی و دولتی و دسترسی به شبکه‌های شخصی و خانوادگی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر بازگشت کارآفرینانه متخصصان و فارغ‌التحصیلان ایرانی خارج از کشور هستند. با توجه به میانگین وزنی هر یک از این عوامل، به طور میانگین برای هر یک از افراد جامعه هدف پژوهش، دسترسی به شبکه‌های شخصی و خانوادگی حدود ۷۸/۴ درصد بر بازگشت کارآفرینانه اثرگذار بوده است که بیانگر اهمیت و نقش پررنگ خانواده و دوستان در تصمیم به بازگشت و ورود به فضای کارآفرینی است. پس از آن، احساس وظیفه نسبت به کشور مادری حدود ۷۸ درصد بر بازگشت کارآفرینانه اثرگذار بوده است که ناشی از احساس تعلق نسبت به کشور و تمایل به اثرگذاری و اشتغال‌زایی برای هم‌وطنان است. سپس هزینه‌های پایین‌تر راه‌اندازی کسب‌وکار حدود ۵۸/۲ درصد بر بازگشت کارآفرینانه اثرگذار بوده است که نشان‌دهنده مقرون به صرفه بودن راه‌اندازی کسب‌وکار در ایران از لحاظ هزینه‌های جاری و هزینه منابع انسانی است. پس از موارد مذکور، فرصت‌های کارآفرینی، وضعیت اکوسیستم کارآفرینی، دسترسی به شبکه‌های علمی و دولتی، وضعیت کلی کشور، برنامه‌ها و سیاست‌های تشویقی دولت و چالش‌های مهاجران در کشور میزبان، به ترتیب حدود ۴۶/۶ درصد، ۴۵ درصد، ۴۴/۲ درصد، ۴۰/۶ درصد، ۴۰/۴ درصد و ۳۷/۶ درصد بر بازگشت کارآفرینانه اثرگذار بوده‌اند. واضح است که سیاست‌ها و برنامه‌های تشویقی دولت در راستای بازگرداندن و حمایت از کارآفرینی متخصصان ایرانی به اندازه کافی اثربخش نبوده‌اند و انجام اصلاحاتی در این زمینه می‌تواند منجر به استفاده بهینه‌تری از ظرفیت ایرانیان ماهر و متخصص در اقصی نقاط جهان شود.

شایان ذکر است که این پژوهش مانند هر پژوهش دیگری با توجه به محدودیت‌های منابع مختلف نظیر تعداد داده‌ها، مسائل مالی و زمان دارای کاستی‌هایی است. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به در

دسترس نبودن کل جامعه کارآفرینان بازگشتی اشاره کرد زیرا در این مطالعه تنها به توزیع پرسشنامه میان بهره‌مندان از طرح همکاری با متخصصان و دانشمندان ایرانی غیرمقیم اکتفا شده است. لذا پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده کلیه کارآفرینان بازگشتی چه مشمول طرح و چه غیره مورد مطالعه عمیق و دقیق قرار گیرند. ضمن اینکه اغلب شرکت‌های تأسیس شده توسط کارآفرینان بازگشتی در مراحل اولیه هستند و هنوز به بار ننشسته‌اند. البته این مسئله ناشی از این است که طرح همکاری با متخصصان و دانشمندان ایرانی غیرمقیم از اسفند سال ۱۳۹۳ آغاز شده است و مدت زمان زیادی از اعطای تسهیلات کارآفرینی به افراد مورد بررسی نگذشته است. با وجود این، باید در نظر داشت که اعطای تسهیلات و سرمایه‌گذاری در زمینه بازگشت کارآفرینانه مهاجران در صورتی اثربخش خواهد بود که بتواند اثرگذاری مثبتی بر وضعیت اقتصادی و... داشته باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی نرخ موفقیت و شکست کسب‌وکارهای مهاجران بازگشتی و نتایج و آثارشان بر ایران در مقایسه با کسب‌وکارهای سایر ایرانیان مقیم کشور مورد بررسی قرار گیرند تا اهمیت و ضرورت سرمایه‌گذاری در این بخش بیشتر آشکار شود.

منابع

- حسینی مقدم، محمد و حسن بشیری (۱۳۹۸)، تحلیل لایه بازگشت نخبگان خارج از کشور به چرخه خدمت جامعه: مطالعه موردی ایران، فصلنامه آموزش مهندسی ایران، دوره ۲۱(۸۲)، (۱۳۸-۱۱۱).
- صلواتی، بهرام (۱۴۰۰)، سالنامه مهاجرتی ایران ۱۴۰۰، جلد اول، انتشارات دانش بنیان فناور.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و آمنه جامه‌بزرگی (۱۳۹۲)، تأثیر مهاجرت نخبگان بر عرضه نوآوری (رهیافت پانل دیتا)، علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۰(۲)، (۱۷۰-۱۴۹).
- صناعی، علی (۱۳۹۸)، مشوق‌ها و موانع بازگشت به کشور: بررسی موردی متخصصان مقیم ایالات متحده آمریکا، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۶(۹۷)، (۳۲۴-۲۸۹).
- طایفی، علی (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی فرار مغزها، چاپ اول، انتشارات روزآمد.
- معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری (۱۴۰۰)، آمار مهاجران بازگشتی از طریق طرح همکاری با متخصصان و دانشمندان ایرانی غیرمقیم (۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۰).
- مؤسسه بین‌المللی توسعه دانش فردای ایرانیان (۱۴۰۰)، آمار مهاجران بازگشتی از طریق طرح همکاری با متخصصان و دانشمندان ایرانی غیرمقیم (۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۰).
- Black, Richard; & Adriana Castaldo (2009), Return Migration and Entrepreneurship in Ghana and Côte d'Ivoire: The Role of Capital Transfers, *Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie*, 100(1), (44-58).
- Cassarino, Jean-Pierre (2004), Theorising Return Migration: The Conceptual Approach to Return Migrants Revisited, *International Journal on Multicultural Societies*, 6(2), (253-279).
- Ellerman, David (2003), Policy Research on Migration and Development, *World Bank Policy Research*, Working Paper 3117.
- Hamdouch, Bachir; & Jackline Wahba (2015), Return Migration and Entrepreneurship in Morocco, *Middle East Development Journal*, 7(2), (48-129).
- ILO (2010), Resolution Concerning Updating the International Standard Classification of Occupations, Retrieved from: <https://www.ilo.org/public/english/bureau/stat/isco/index.htm>. (Accessed 28 January 2020).
- Krasniqi, Besnik & Nick Williams (2019), Migration and Intention to Return: Entrepreneurial Intentions of the Diaspora in Post-Conflict Economies, *Post-Communist Economies*, 31(4)(464-483).
- Marchetta, Francesca (2012), Return Migration and the Survival of Entrepreneurial Activities in Egypt, *World Development*, 40(10), (1999-2013).
- Mayr, Karin & Giovanni Peri (2008), Return Migration as a Channel of Brain Gain, National Bureau of Economic Research, Working Paper 14039.
- Naudé, Wim; Melissa Siegel & Katrin Marchand (2017), Migration, Entrepreneurship and Development: Critical Questions, *IZA Journal of Migration*, 6(1), (16).
- OECD (2016), Database on Immigrants in OECD Countries, Retrieved from: <https://izajodm.springeropen.com/track/pdf/10.1186/s40176-016-0077-8.pdf>. (Accessed 21 July 2020).
- Piracha, Matloob & Florin Vadean (2010), Return Migration and Occupational Choice: Evidence from Albania, *World Development*, 38(8), (1141-1155).
- Rezaei, Shahamak; Leo-Paul Dana & Veland Ramadani (2018), Iranian Entrepreneurship: Deciphering the Entrepreneurial Ecosystem in Iran and in the Iranian Diaspora Softcover, 1st edition, Springer.

- Sinatti, Giulia (2019), Return Migration, Entrepreneurship and Development: Contrasting the Economic Growth Perspective of Senegal's Diaspora Policy through a Migrant-Centred Approach, *African Studies*, 78(4)(609-623).
- UNCTAD (2018), Policy Guide on Entrepreneurship for Migrants and Refugees, Retrieved from: https://unctad.org/system/files/official-document/diae2018d2_en.pdf. (Accessed 9 April 2020).
- UNESCO (2011), International Standard Classification of Education: ISCED 2011, Retrieved from: <http://uis.unesco.org/sites/default/files/documents/international-standard-classification-of-education-isced-2011-en.pdf>. (Accessed 14 January 2020).
- UNESCO (2021), Inbound Internationally Mobile Students by Continent of Origin, Retrieved from: <https://data.uis.unesco.org/>. (Accessed 14 May 2021).
- United Nations (2019), Glossary on Migration, *International Organization for Migration*, 34(1813-2278).
- Wadhwa, Vivek et al. (2011), The Grass Is Indeed Greener in India and China for Returnee Entrepreneurs, Retrieved from: <https://www.kauffman.org/wpcontent/uploads/2019/12/grassisgreenerforreturneeentrepreneurs.pdf>. (Accessed 28 January 2020)

